

# ما و مسلمانان مبارز

« ۳ »

مقاله "ما و مسلمانان مبارز" در شماره های ۱ و ۲ آلمان، به پیدایش دین و نظریه گزاران مارکسیسم لنینیسم در مورد آن اختصاص داشت.  
مقاله این شماره را، بنا بر اهمیت که رابطه حزب توده ایران - حزب مارکسیست لنینیست طبقه - کارگر ایران - با مذاهب و بیرون ایران دارد، باین موضوع اختصاص میدهم. مسلم است، نظر نهائی و مختصات این رابطه در وظیفه ارکانهای حزب توده ایران است. آلمان

## حزب توده ایران و مناسباتش

### بازحمتکشان و محافل ملی و دمکراتیک معتقد به مذهب

درجه اول دارد، اتحاد نیروهای ملی علیه نیروهای امپریالیستی، اتحاد نیروهای دمکراتیک علیه استبداد و اتحاد زحمتکشان علیه مناسبات جا برانه طبقاتی و برای نوسازی بنیادی جامعه است. حزب توده ایران میگفت: بگذار هر انسان زحمتکش و مبارزی که در صف پسران و طبقاتی خویش میریزد، تا وقتی که مایل است معتقدات مذهبی خود را حفظ کند. حزب توده ایران، کارگران و دهقانان دارای معتقدات مذهبی را نه تنها در اتحادیه های کارگری و دهقانی، بلکه حتی در صفوف خویش میپذیرفت و میپذیرد تا در مکتب نبرد طبقاتی به بهترین آموزش انقلابی دست یابند.

محافل ارتجاعی و امپریالیستی که میکوشیدند از احساسات مذهبی برای تفرقه افکنی در صفوف مبارزان سو استفاده کنند، تلاش فراوانی بکنار بردند تا شاید جنبه اصولی سیاست حزب توده ایران را انکار کنند، ولی تلاش آنها بطور عمده بیفایده بود. تجربه زندگی، مبارزان و زحمتکشان را متوجه و متقاعد میکرد که حزب توده ایران در مسئله مذهب و در رابطه با مبارزان معتقد به مذهب، سیاستی اصولی دارد و نه سیاستی ظاهر سازانه، حسابگرانه و زودگذر. به همین جهت هم صد -ها هزار نفر از کارگران و زحمتکشان ایران، از مذهبی و غیرمذهبی در زیر پرچم حزب توده ایران متشکّل شدند.

در زمینه رابطه حزب توده ایران با مذهب، حزب

حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران از نخستین روز بایه گذاری، آموزش مارکسیسم لنینیسم را راهنمای خویش قرار داد و اگر چه موافق با شرایط روز نتوانست و نخواست عنوان رسمی کمونیست بر خود بگذارد، برای دوست و دشمن هرگز تردیدی وجود نداشت که همه کمونیستهای صدیق ایران در این حزب جمعند و راه حزب نیز همان شاهراه کمونیستی است. به همین دلیل هم بود که نخستین سازمان سیاسی ضد توده ای که به رهبری سید ضیا الدین طباطبائی و با پشتیبانی امپریالیسم و ارتجاع داخلی تشکیل شد کوشید تا روی احساسات مذهبی ناآگاهترین قشر زحمتکشان انگشت بگذارد، خود را مدافع سینه چاک اسلام و حزب توده ایران را به مثابه یک حزب کمونیست، دشمن دین و مذهب معرفی نماید.

حزب توده ایران در آن سالها در برابر تبلیغات زهرآکین سید ضیا، و اتباعش، سیاست اصولی و استوار مارکسیستی لنینیستی را قرار داد و توده های ستعکش را با این واقعیت آشنا کرد که جامعه ایران در اساس خود به طبقات اجتماعی، به ستعگران و ستعکشان، به عاملین امپریالیسم و مدافعین استقلال کشور تقسیم میشود و نباید ستعگر و ستعکش را به بهانه اینکه هردو مسلمانند در یک سنگر گذاشت و در صف ستعکشان به سود ستعگران بر سر مسائل مذهبی تفرقه افکند. حزب توده ایران به توده ها توضیح داد که آنچه اهمیت



مجبور بود نه تنها در جبهه خارجی، بلکه در درون خود نیز با اپورتونیسیم راست و "چپ" برزسد، چرا که اپورتونیست‌ها نیز به اصولیت سیاست حزب در این مرحله معتقد نبودند.

اپورتونیست‌های راست که در آن هنگام خلیل ملکسی پرچمدارشان بود، به حزب توصیه میکردند که به دین داری تظاهر کند و روزهای عزاداری شیعیان، مراسم عزاداری برپا دارد و اینهمه روی نبرد طبقاتی تکیه نکند. و اما چپ‌نمایان از حزب طلب میکردند که به دین اعلان جنگ بدهد و زحمتکشان معتقد به مذهب را به عنوان عناصر ناآگاه و نیروی ذخیره ارتجاع تلقی نماید و از خود براند. اگر به این نظریات اپورتونیستی راست و "چپ" بطور سطحی بنگریم شاید چنین بنظر برسد که آنها نقطه نظرهای متفاوت و حتی متقابلند. اما با کمی دقت میتوان دریافت که آنها در روی یک مدالند. ریشه و ماهیت آنها یکی است. در این مسئله، هم اپورتونیست راست و هم اپورتونیسم "چپ" از عدم اعتقاد به اصولی و استوار بودن سیاست مارکسیستی - لنینیستی طبقه کارگر در مورد مذهب سرچشمه میگیرند. آنها سیاست حزب را یکنوع ظاهرسازی تلقی میکنند. منتهی اپورتونیسم راست خواستار تشدید این به اصطلاح ظاهرسازی و غرقه شدن در آنست و اپورتونیسم "چپ" خواستار دست کشیدن از این به اصطلاح ظاهرسازی است. اپورتونیست‌های راست و "چپ" نمیفهمند که سیاست مارکسیستی - لنینیستی درباره مذهب در رابطه حزب طبقه کارگر با زحمتکشان مذهبی بهیچوجه ظاهرسازی نیست تا بتوان آنرا زیادتر و یا کمتر کرد. این سیاست از ملاحظات حسابگرانه ناشی نمیشود، بلکه سیاستی است صادقانه، اصولی و استوار که بر شناخت درست و ماتریالیستی جامعه و تجزیه و تحلیل علی سنج بفرنج آن اتکال دارد.

در دوران ما، درک درست این سیاست و اجرای هر چه دقیقتر آن اهمیت بازم بیشتری کسب کرده است. در این دوران که دوران گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم است، نبرد طبقاتی در همه عرصه‌ها و همه جبهه‌ها تشدید شده و هر روز قشرهای وسیعتری از توده‌های مردم به میدان نبرد کشانده میشوند که دارای معتقدات کاملاً گوناگون مذهبی هستند.

مخالف امپریالیستی و جنگ طلب و مرتجعین و نشوونامیست‌ها که بسیاری از مواضع ایدئولوژیک خود را از دست داده‌اند، با تمام قوا میکوشند تا خود را در زیر لوای مذهب پنهان کنند. بسیاری از احزاب مدافع سرمایه انحصاری و حتی بسیاری از احزاب و گروه‌های فاشیستی و نیمه فاشیستی، خود را "دموکرات مسیحی" و حتی "سوسیالیست مسیحی" مینامند و میخواهند با

صلیب شکسته همان کاری را بکنند که هیتلر با صلیب شکسته کرد.

در کشورهای اسلامی نیز این تلاش ارتجاع به وسعت و آشکارا به چشم میخورد. ارتجاعی ترین رژیمهای منطقه و شناخته شده ترین عوامل امپریالیسم که منافع مردم مسلمان خود را به استعمارگران فروخته‌اند، خود را سینه چاک ترین مسلمانان قلمداد میکنند. رژیم سعودی در عین اینکه خود را "رکن اسلام" میداند، با اصطلاح دفاع از مکه معظمه را به جاسانیان حرفه‌ای آمریکایی واگذار میکند، و شاه در کنار سازمان امنیت، یکی از وسیعترین شبکه‌های جاسوسی و فریب مردم را به نام "دفاع از اسلام" بوجود میآورد و در حالیکه صدیق‌ترین و مبارزترین مسلمانان را اسیر میکند، به فجیعترین وجهی شکنجه میکند و میکشد، مدعی خواب‌نا شدن و داشتن پیوند نهانی با امام زمان است.

در مقابل مخالف ارتجاعی، توده‌های ستکشی مذهبی نیز هر روز بیشتر این آگاهی را کسب میکنند که اجازه ندهند احساسات مذهبی آنان مورد سوء استفاده قرار گیرد.

توده‌های وسیع مردم به چشم میبینند که سرمایه‌داری جهانی و انحصارات امپریالیستی، صرف نظر از هر نقابسی که به چهره بزنند و صرف نظر از همه ادعاهای دینداری که عنوان کنند، از هر نوع ستکری در پهنه گیتی دفاع میکنند. هواداران تبعیض نژادی، استعمارچیسان و اسارت‌گران رنکارنگ، فاشیست‌ها و شکنجه‌گران و آدمکشان حرفه‌ای که در مقام حکومت نشسته‌اند، جنگ افروزان و غارتگران و وطن فروشان، همه و همه اینها در پناه حمایت انحصارات امپریالیستی اند. درست همان انحصاراتی که در عین حال میکوشند خود را ستون دین و نماینده خدا در روی زمین، قلمداد کنند.

بیداری طبقاتی توده‌های مذهبی و آمادگی آنان برای مبارزه با امپریالیسم و ارتجاع در بسیاری از کشورهای جهان مسائل نوینی بوجود آورده است.

در بسیاری از کشورها، گفت و شنود پرتعری میان احزاب کمونیست این کشورها و مخالف مذهبی در جریان است. در این گفت و شنودها احزاب کمونیست میکوشند تا با توده‌های مذهبی پیوند طبقاتی برقرار سازند و برای حل مسائلی که هم اکنون در روی زمین و در جامعه موجود زمینی، همه زحمتکشان با آن روبرو هستند، جبهه واحدی بوجود آورند. این جبهه واحد نه تنها میتواند در مسائل کلی نظیر دفاع از صلح، دفاع از استقلال ملی و دفاع از دموکراسی برقرار شود، بلکه حتی میتواند تا ساختمان سوسیالیسم پیش برود.

در کشور ما نیز بیداری توده‌های ستکشی مذهبی و مبارزات مخالف ملی و دموکراتیک اسلامی مسائل نوینی



را بوجود آورده است که اجرای هرچه دقیقتر و استوارتر سیاست اصولی حزب توده ایران را در زمینه مذہب ایجاد میکند. روشن است که بیداری توده های مذہبی و آمادگی محافل مذہبی برای مبارزه یکسان نیست. بسیاری از توده های ستمکش یا حفظ اعتقادات مذہبی خویش، برای تحول بنیادی جامعه میزنند و سازمانهای سیاسی معینی نیز که به عنوان سخنگوی این قشرها به میدان نبرد پا مینهند از چنین تحولی حمایت میکنند. آنان تعالیم اسلامی را چنان میفهمند و چنان تفسیر میکنند که به معنای انجام یک انقلاب عمیق ضد امپریالیستی و دموکراتیک در جامعه ایران است، انقلابی که باید به سوی سوسیالیسم فرا رود و به هرگونه بهره رکنی انسان از انسان پایان دهد.

در میان محافل مذہبی، البته گروههای دیگری و صافحان عقاید دیگری هم هستند که به تحول بنیادی تا این حد اعتقاد ندارند، اما سلطه امپریالیسم و سلطه دیکتاتوری محمد رضا شاه را تحمل نمیکنند و آماده اند که با آن در چارچوب معینی بزنند.

وجود این طیف وسیع محافل مذہبی میطلبد که حزب طبقه کارگر در هر مورد مشخص رفتار مشخصی داشته باشد و از برخورد قالبی و خشک به محافل مذہبی، تحت این عنوان که همه آنها یکسانند، بپرهیزد. حزب توده ایران حزبی است دارای استراتژی بسیار دوربرد. حزبی است خواستار چنان تحول بنیادی در جامعه که راه را به سوی سوسیالیسم - به معنای علمی این کلمه - بگشاید، سپس تا ساختمان جامعه کمونیستی پیش برود. اما حزب توده ایران در عین حال میداند که بدون حل وظایف مبرم و گذار از مراحل واسطه، دست یافتن به هدف نهائی، غیر مقدور است. از اینجاست که نه تنها سیاست عمومی حزب، بلکه سیاست مشخص درباره اتحاد با نیروهای غیرتوده ای، و از جمله نیروهای مذہبی نیز دارای مراحل و مدارج

است. حزب توده ایران آماده است با هرکسی که گامی به جلو بردارد، متحد شود و این اتحاد به نسبت بزرگی گامی که برداشته میشود، عمیقتر و دیرامندتر است.

حزب توده ایران آماده است از آن محافل مذہبی که تنها و تنها خواستار آزادی مذہباند و با رژیم شاه و سازمان امنیتش تنها به این دلیل و در این حد و مخالفت میکنند که آزادی مذہب را از میان بر سرده و مباحث و مناظر را غصب کرده است، صادقانه و در همین حد و دفاع کند. حزب توده ایران خواستار آزادی مذہب است. حزب از دموکراسی به معنای وسیع این کلمه دفاع میکند و این مطلب را با صراحت کامل در برنامه خود قید کرده است. لذا حزب نه به خاطر ملاحظات

و حسابگریهای زودگذر، بلکه با تکیه بر اصول سیاست خود از آزادی مذہب، از آزادی روحانیت از قید ستم رژیم استبدادی شاه دفاع میکند.

حزب توده ایران در عین حال اعلام کرده است که آماده است از حدود این همکاریهای کوچک به مراتب فراتر رود و با برادران طبقاتی خویش، صرف نظر از اعتقادات مذہبی آنها، پیوند طبقاتی ببندد و در یک جبهه و یک سنگر علیه امپریالیسم و ارتجاع و برای تحول بنیادی جامعه بزنند. حزب آماده است با برادران طبقاتی خویش، علیرغم اینکه معتقدات مذہبی هم داشته باشند، برای نوسازی بنیادی جامعه و ساختن سوسیالیسم همکاری نماید. چنانکه هم اکنون در اتحاد شوروی، مسلمانان معتقد و مسیحیون مؤمن در کنار کمونیستها، در مزرعه و کارخانه سوسیالیستی کار میکنند و جامعه نوین را مشترکاً بنا مینهند.

سیاست حزب توده ایران در این زمینه سیاستی استوار و اصولی است که مارکس، انگلس و لنین آنرا بنیان گذاشته اند و در مدت بیش از صد سال تجربه، پیوسته غنی تر و دقیقتر شده است.

حزب توده ایران با هرگونه تفرقه افکنی تحت هر عنوان که باشد، و از جمله بنام مذہب، مبارزه میکند. حزب توده ایران یک حزب سیاسی است. حزبی است که مرز طبقاتی را مرز اصلی میداند. حزبی است خواستار وحدت همه زحمتکشان و خواستار اتحاد همه نیروهای ملی و دموکراتیک علیه امپریالیسم و ارتجاع و هرگونه ستمگری طبقاتی. بر همین اساس است که حزب توده ایران برای اتحاد با مسلمانان مبارز میکوشد.

سیاست اصولی حزب توده ایران در مورد مذہب و معتقدان به مذہب میتواند و باید راهنمای عمل همه نیروهای میهن پرست، دمکرات و مترقی باشد.

### موضع ما

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران، بعنوان سازمان مترقی، دمکراتیک و میهن پرست جوانان و دانشجویان ایران، در راه اتحاد با جوانان و دانشجویان مسلمانان که به مبارزه برضد رژیم استبدادی شاه به مبارزه برضد امپریالیسم و ارتجاع، به مبارزه برای ایجاد ایرانی آزاد، آباد و مستقل برخاسته اند، با اصولیت، با استواری، با پیگیری و صادقانه، همه نیروی خود را بکار میبرد.

دست اتحاد ما آماده برای فشردن دست جوانان و دانشجویان مسلمان مبارز است.